



سیاست گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اسناد بالادستی

در اندیشه دفاعی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

وحید فخرالدین، بهمن کارگر^۲

۳۶

دوره ۱۴، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۲۱

صص: ۱۳۰-۱۰۹

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهش‌های منطقه‌ای
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

سیاست‌گذاری امنیتی یکی از مهمترین بحث‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و دلیل این امر هم این است که جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشوری با موقعیت جغرافیایی استراتژیک خاص خود، در دنیای معاصر همواره در معرض انبوهی از تهدیدات در سطوح مختلف قرار داشته است. آنچه بیش از هر چیز دیگر در سیاست‌گذاری امنیتی برای امنیت کشور و مقابله با تهدیدات لازم به نظر می‌رسد توجه به سیاست‌های نحوه مقابله با اینگونه تهدیدات در حوزه امنیتی می‌باشد. هدف از این پژوهش شناخت سیاست‌گذاری امنیتی با توجه به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. پرسش اصلی آن است که سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد بالادستی چه میزان و تا چه درجه‌ای در مواقع بحران و تهدیدات کارساز و جواب‌گو به مسائل روز می‌باشد؟ روش استفاده در این کار پژوهشی روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع مکتوب در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی در اسناد بالادستی می‌باشد و این پژوهش جزو پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و روش استفاده در تحلیل داده‌ها روش کیفی است. یافته‌های اولیه پژوهش حاکی از آن است که اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به سیاست‌گذاری امنیتی در همه ابعاد دارد. سیاست‌گذاری امنیتی، امنیت ملی، تهدید و اسناد بالادستی مواردی است که در سند چشم‌انداز بیست ساله و قوانین توسعه از جمله قانون پنجم توسعه پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست گذاری، امنیت، اسناد بالادستی، آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، تهدیدات.

DOR: 20.1001.1.23225580.1403.14.1.6.5

مقدمه

سیاست‌گذاری امنیتی از جمله مقوله‌هایی است که بشر در طی تاریخ همواره در پی آن بوده و برای تحصیل آن متحمل هزینه‌های زیادی شده است. علاوه بر آنکه امنیت، نیاز و ضرورت اساسی مردم محسوب می‌شود، بلکه برخی اندیشمندان، فلسفه وجودی و ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت در گذشته و همچنین مهمترین کارکرد دولت‌های ملی در جهان امروز را تأمین امنیت می‌دانند. سیاست‌گذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب برای تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران منافع ابر قدرت‌ها با تهدیدهای جدی مواجه شده است که این امر باعث شده جمهوری اسلامی ایران مورد هجومه سلطه‌گران جهانی از جهت‌های مختلف از جمله نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی قرار گیرد. تردیدی نیست که پیشرفت، ترقی و کامیابی در مسیرهای گوناگون نیازمند ثبات و آرامش در سطوح فردی و ساختاری یک جامعه است. به عبارت دیگر رشد و توسعه یک کشور نیازمند یک پیش‌نیاز مهم و فوری بوده و آن چیزی جز امنیت و ثبات نیست (ارغوانی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

سیاست‌گذاری امنیتی یکی از مهمترین شاخه‌های سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد. تمام کشورها در بحث سیاست‌گذاری امنیتی به این مبحث توجه ویژه‌ای کرده‌اند و تأمین آن از اهداف اولیه هر کشور در تمام ادوار بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست‌گذاری امنیتی به دلیل تهدیدات داخلی و خارجی، یکی از مهمترین مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است که توسط امامین انقلاب به ویژه آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پیگیری می‌شود. سیاست‌گذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب جهت تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است.

با توجه به پیچیدگی‌های زندگی بشری در دنیای معاصر و درهم‌تنیدگی ابعاد مختلف جامعه، مطالعات سیاست‌گذاری امنیتی ملی در کشور به نگاهی جامع‌تر نیاز دارد و باید از نگاه‌های تنگ‌نظرانه دست کشید تا کشور را از معرض تهدیدات سخت و نرم عبور دهیم. در حالی سال‌هایی از انقلاب اسلامی را طی می‌کنیم که در طی این سال‌ها دنیای پیرامونی این نظام مقدس آکنده از آشوب‌ها و بحران‌های مختلف است و آینده پژوهان حوزه امنیت نیز درباره وخیم‌تر شدن اوضاع هشدار می‌دهند. علی‌رغم اینکه در طول چند دهه گذشته با سیاست‌گذاری‌های حکیمانه و داهیانیه آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و مدیران امنیت ملی کشور توانسته‌ایم کشور را به کشتی ثباتی در منطقه ناآرام و متشنج

خاورمیانه بدل کنیم؛ از این روی باید توجه ویژه‌ای به تهدیدات پیرامونی کشور داشته باشیم و با برنامه‌ای دقیق، آمادگی‌های لازم برای مقابله با آن‌ها را کسب کنیم (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۶). یکی از مهمترین سیاست‌گذاری‌ها در کشورها، اسناد و قوانین بالادستی می‌باشد که به برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت تقسیم می‌شوند؛ این برنامه‌ها در هر کشور بیانگر خواسته‌ها، اهداف و چشم‌انداز آن کشور از سوی حکومت است که در دوره زمانی معین و بر مبنای مجموعه اقداماتی منظم و سلسله‌مراتبی برای رسیدن به اهدافی مشخص، تهیه و تدوین شده است. اینگونه برنامه‌ها و اسناد در هر کشور دارای بخش‌های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... می‌باشد (ویسی، ۱۳۹۶: ۹۸). در راستای ادبیات پژوهشی سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اسناد بالادستی مقاله‌هایی ارائه شده است که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

در مقاله‌ای با عنوان نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران که توسط گروهی از دانشجویان مطالعات امنیت ملی (۱۳۸۷) دانشگاه عالی دفاع ملی انجام گرفته این را بیان می‌نماید که در تبیین چارچوب نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران، مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی و اصول روش شناختی را مورد بحث قرار داده و در ادامه به تحلیل گفتمان‌های امنیتی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. مرجع امنیت، تهدیدات امنیتی، هدف و غایت امنیتی و سیاست‌گذاری امنیتی از جمله موضوعات دیگری است که پژوهشگران این تحقیق آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. در پایان این کار علمی به این نتیجه می‌رسد که به دلیل ویژگی‌های خاص مفهوم و مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات فرهنگی و سیاسی از اهمیت بالاتری برخوردار است و آسیب‌های مهم، تهدیدات مهم و امنیتی تلقی می‌شوند؛ مانند غفلت مسئولان و دنیاپرستی آنان. مدل نهایی نظریه امنیتی این تحقیق شامل مبانی اندیشه‌ای و تفسیری، ارکان تحلیلی امنیت و اصول سیاست‌گذاری همراه با اجزای آن‌هاست.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) در راستای اهداف پژوهشی خود متنی را با عنوان بررسی لایحه پنجم توسعه: فصل هفتم - سیاست‌های دفاعی و امنیتی و سیاسی به عرصه طبع رسانده که با نگاهی آسیب‌شناسانه به واکاوی کاستی‌های رویکرد دفاعی - امنیتی برنامه پنجم و موارد مغفول در این بخش می‌پردازد.

در کار تحقیقاتی دیگر که توسط ارسطو توحیدی، سلیمان طاهری و محسن گودرزی (۱۳۹۶) تحت عنوان بررسی رابطه قدرت با امنیت با رویکرد به مبانی اسلامی می‌باشد که در آن، رابطه قدرت با امنیت بررسی شده و برداشتن یک رابطه مستحکم بین مؤلفه‌های امنیت و قدرت در کشور تأکید شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، بین قدرت و امنیت یک رابطه دوسویه وجود دارد. احساس امنیت موجب افزایش حس قدرت و حس قدرت موجب ازدیاد حس امنیت می‌گردد؛ بنابراین مهار و افزایش قدرت و امنیت در یک کشور می‌تواند به ارتقای جایگاه مردم و افزایش سطح رضایتمندی آن‌ها و در نهایت دفع تهدیدات و رفاه و آسایش جامعه منجر شود.

تفاوت این کار پژوهشی با کارهای پژوهشی دیگر در آن می‌باشد تا میزان تأثیرگذاری اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران را بر مسائل سیاست‌گذاری امنیتی داخلی و خارجی ایران بررسی شود تا به میزان تأثیرگذاری این اسناد در سیاست‌گذاری امنیتی پی برده شود.

در باب اهمیت و ضرورت این کار پژوهشی باید گفت که این کار جزو پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از نظر معرفت‌شناسی و جهت‌گیری پژوهشی، روش تحلیل داده‌ها در این مقاله کیفی است. برای رسیدن به هدف اصلی پژوهش با گسستن از قضاوت‌های شخصی یا پیش‌فرض‌های ذهنی و نظری، با تکیه بر داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای، پایگاه‌های داده‌های علمی و آرشیو الکترونیکی مجلات سعی نمودیم فهم صحیح و واقع‌بینانه‌ای از موضوع پژوهش ارائه نماییم.

در این پژوهش برای جمع‌آوری مطالب کلیدی به روش زیر اقدام شده است:

- ۱- ابتدا با استفاده از کلید واژه‌های مطرح شده به جمع‌آوری مطالب اقدام شده است.
- ۲- در مرحله بعد، مطالب جمع‌آوری شده مورد غربالگری قرار گرفته و مطالب کلیدی مرتبط با کار پژوهشی مورد اسفاده قرار گرفته است.
- ۳- در مرحله آخر سعی شده در جهت پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده به واکاوی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته شود.

۲- چارچوب نظری و مفهومی

۲-۱- سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری شاخه‌ای از علوم سیاسی است که به مطالعه مجموعه اقدامات دولتی می‌پردازد. اقدامات دولت هم به عنوان متغیر مستقل و هم به عنوان متغیر وابسته می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. به عقیده هولت و همکاران سیاست‌گذاری به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزنده این فعالیت‌هاست اشاره می‌کند. در حوزه سیاست‌گذاری موضوعات متنوعی چون نحوه تدوین مسائل سیاسی، چگونگی تبدیل پدیده‌ها به صورت مسئله‌های سیاسی دولت، نحوه تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات دولتی و ارزیابی عمل دولتی قابل بررسی است (جلیلی قاسم‌آقا، ۱۳۹۷: ۳).

سیاست‌گذاری؛ خط‌مش‌ها و رهنمودهایی است که برای راهنمایی، تفکر، تصمیم و اقدامات مدیران و فرودستان آن‌ها در اجرای راهبردهای سازمانی تدوین می‌شود. (قیصری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹) زمانی که از سیاست‌گذاری سخنی گفته می‌شود، سخن گفتن از یک پدیده ناشناخته نیست، بلکه سخن گفتن از امری است که هر روز و هر لحظه درگیر آن هستیم. (ملک محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲) یا به نظر پاتریس دیوران علم سیاست‌گذاری با ارجحیت دادن به مطالعه مسائل عمومی که در درون خود حضور بسیاری از متغیرهای جامعه‌شناسی را همگون می‌کند و خود را به عنوان بستر ویژه‌ای در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند، شناخته می‌شود. (اشتریان، ۱۳۹۶: ۱۷) سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است. (قلی‌پورو همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳) در واقع سیاست‌گذاری گام اول در یک چرخه برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزان قبل از آنکه یک فرآیند را اجرا و ارزیابی کنند باید یک ارزیابی پویا از چگونگی تنظیم سیاست‌ها ارائه دهند (حداد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵).

در واقع سیاست‌گذاری طرح‌ها و برنامه‌هایی است که از طرف حکومت مرکزی گرفته می‌شود و برای حفظ منافع عمومی جامعه به بخش‌های مختلف ابلاغ می‌شود. (pupis,2010:134) سیاست‌گذاری ما را به عرصه فعالیت‌های خرد و اداری دولت که نمود عینی‌تری دارد می‌کشاند. (اشتریان، ۱۳۹۶: ۱۷) شافریتز و بریک معتقدند که سیاست‌گذاری یعنی عمل کردن یا عمل نکردن یک دولت در امورات؛ سیاست‌گذاری به معنای سلسله اقدام‌ها و تصمیم‌هایی است برای حل چالش که در صورت عدم رفع آن چالش، بازتاب‌ها و کنش‌های عمومی را به دنبال خواهد داشت. یا به نوعی آگاهی هوشمندانه در زمینه انتخاب میان دو راه جایگزین برای اداره جوامع اطلاق می‌شود. پیرمولر

سیاست‌گذاری را دولت در عمل می‌دانند و توماس دای سیاست‌گذاری عمومی را آن چیزی می‌داند که حکومت تصمیم می‌گیرد انجام دهد و یا کنار بگذارد (امینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۱). از نظر فیلیپ برو، سیاست‌گذاری تجلی اراده حکومت در عمل می‌باشد. یافته‌ها و تحلیل‌های رشته‌های عمده علوم اجتماعی نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه را در قالب رهیافتی چند رشته‌ای برای تدوین و اجرای بهترین تصمیمات هزینه به کار می‌برد. کثرت‌گرایی نهادی و فکری که سیاست‌ها در چارچوب آن شکل می‌گیرد گریز دولت‌ها از پاسخ‌گویی را محدود می‌کند و دولت پاسخ‌گو را واجد معنا می‌سازد (وحید، ۱۳۹۵: ۱۵).

۲-۲- امنیت

در اصطلاح می‌توان امنیت را به معنای نبود تهدید نظامی برای مملکت و محفوظ نگه داشتن کشور از هجوم دشمنان و یا محافظت کشور از دفع تهدیدات خارجی علیه حیات سیاسی و منافع ملی دانست. (شریعتمدار جزائری، ۱۳۸۵: ۷)

امنیت از جمله حیاتی‌ترین نیازهای بشری در تمام ادوار تاریخ بوده است که با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد و حتی می‌توان گفت به مثابه اکسیژن و هوا برای احاد اجتماعات بشری می‌باشد و در گفتمان‌های سیاسی کشورها جایگاه ویژه‌ای دارد و دلیل آن این است که امنیت منعکس‌کننده توانایی بقاء به مثابه واحدهایی مستقل و مشخص در عرصه جهانی است. اکنون برای هیچ انسان عاقلی در ضرورت و اهمیت امنیت و آرامش در جامعه شک و شبهه‌ای وجود ندارد و می‌توان آن را مهم‌ترین سرمایه و شرط برای یک جامعه متمدن و سالم به حساب آورد. تا جایی امنیت مهم و ضروری است که در متون الهی و اسلامی به مکررات به آن اشاره شده است که حیات بشر بدون امنیت امکان‌پذیر نمی‌باشد. (بخشی، ۱۳۹۱: ۲۱)

امنیت و استمرار آن به عنوان هدف و وسیله، از جمله آرزوها و خواسته‌های اصلی احاد جوامع بشری می‌باشد. عرصه امنیت حوزه‌ای بسیار مهم، پیچیده و حساس است. هر پدیده امنیتی با فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه قرین می‌باشد. در چنین زمینه‌ای، بازیگران همه در پی کسب خیر و دفع ضرر می‌باشند. مقولات و موضوعات امنیتی امور پیچیده، تودرتو و چند چهره هستند و نمی‌توان برای آنان هویتی شفاف ترسیم کرد. در پهنه مسائل امنیتی نمی‌توان انتظار نتیجه‌ای مشخص داشت و حتی

نمی‌توان به بازی بدون خطا و بدون هزینه اندیشید و می‌بایست برای ایفای نقش خود از پیش‌بینی دقیق وقایع و اقدامات پرهیز نمود. (افشون و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۳۹)

می‌توان گفت مفهوم امنیت زمانی معنی پیدا می‌کند که تهدیدی وجود داشته باشد و تهدید را می‌توان عاملی دانست که کشورها برای مقابله با آن به دنبال امنیت هستند. (walt, 1994, 20) امنیت را بر اساس تهدیدات تعریف و تقسیم بندی می‌کنند و مفاهیم کلیدی چون بحران‌ها در انواع واقعات گوناگون، همواره تأثیرات مهمی بر امنیت داشته و دارند. بحران‌ها از دیرباز جزء جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روز به روز بر تعدد و تنوع‌شان افزوده می‌شود و دیگر پدیده‌هایی با ویژگی غیرعادی و کمیاب اتفاقی تلقی نمی‌شود. چنانکه بحران‌ها و شورش‌های شهری از معضله‌ها و دغدغه‌های اصلی جوامع در حال گذر می‌باشد و بسیاری از دولت‌ها در طول تاریخ خود همواره با شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی رو به رو بوده‌اند. در بسیاری از موارد این وضعیت‌ها بسیار جدی بوده که از رهگذر آن حاکمیت و منافع ملی حیاتی آن دولت‌ها در معرض خطر و تهدید قرار گرفته است (رئسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۶).

در واقع امنیت یکی از مباحث کلیدی در حوزه علوم سیاسی می‌باشد که همواره در ابعاد مختلفی تعریف می‌شود. تعاریف ارائه شده از امنیت متنوع و متعدد می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان بیش از ۱۸۰ تعریف را برای آن بیان کرد. (افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۷) امنیت از جمله دیرپاترین آمل بشر و یکی از لوازم شروط بهزیستی و بهروزی تلقی گردیده و از دیدگاه مازلو، ابزار حرکت به سوی خود شکوفایی انسانی محسوب می‌شود. به طوری که وی در اولویت بندی نیازهای بشر، بلافاصله بعد از نیازهای اولیه مانند هوا، غذا، مسکن، پوشاک و... نیاز به امنیت را جای داده و سایر نیازهای انسانی را علی‌رغم ضرورت غیرقابل انکار آن‌ها در اولویت‌های بعدی آورده است (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۸).

در اندیشه دفاعی آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) امنیت، بخشی از سیاست و ابزاری برای سیر الی الله در دنیای فانی طبیعت است و خودش هدف محسوب نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، کارکرد امنیت، ایمن ساختن و هموار کردن شرایط برای حفظ ارزشها و به فعلیت درآمدن آنها است. مکتب اسلام با چند بعدی دیدن دفاع و امنیت، عینی‌ترین نمود ناامنی را، در تهاجم نظامی علیه دارالاسلام می‌داند و ابزار نظامی از طریق جهاد را راهی برای کسب امنیت می‌شمرد.

۳-۲- امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی به رغم قدمت طولانی که در ادبیات روابط بین‌الملل دارد ولی همچنان توسعه نیافته و مبهم می‌باشد. (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷) امنیت ملی متغیری وابسته می‌باشد که تکوین آن در کشورها، تابع متغیرهای مختلف از جمله ارتش، نیروهای انتظامی و امنیتی، ثبات سیاسی و اقتصادی و... می‌باشد. (افشون و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۰) حفظ امنیت ملی، هدف غایی و اساس اقدامات اکثر دولت‌ها، کشورها و واحدهای سیاسی امروز می‌باشد. امنیت ملی در قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است و حالتی است که ملت‌ها فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و خاک خود در آن به سر می‌برند (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۹).

ماندل معتقد است مسئولیت‌های حکومت‌های ملی این است که از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. امنیت ملی به مسئولیت ملی دولت‌ها و توانایی جامعه در جهت کسب و تأمین ایمنی روانی و مادی برای مردم تحت حاکمیت خویش و صیانت از موجودیت فیزیکی، روانی، زیستی، معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم و سرزمین اشاره دارد تا از تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ناشی از قدرت‌های داخلی و خارجی نسبت به بقای رژیم، ارتقاء و بهینه‌سازی آن، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان و در نهایت تضمین منافع ملی ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲) نظر ریچارد کویر این است که امنیت ملی به معنی توان جامعه در حفظ بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خویش و به معنی آزادی از ترس و فقدان خطر جدی از خارج، نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت می‌باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱).

پس مفهوم اصلی امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهاست. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۸) در واقع می‌توان گفت که امنیت ملی، مصون نگه داشتن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعلی است که می‌تواند خاستگاه داخلی و خارجی داشته باشد و یا دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عمومی از مداخله بیگانگان گام بردارد (بشیری، ۱۳۸۸: ۱).

درکل می‌توان گفت که هرآنچه، بصورت عینی یا ذهنی، ارزش‌ها و منافع ملی یک کشور را تهدید کند یا مانعی برای رسیدن کشور به اهدافش باشد تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود. (بختیار، صالح‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۴۶) در نتیجه می‌توان امنیت ملی را به معانی و پدیده‌هایی از جمله: ۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم و تداوم و بقاء سیستم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حاکمیت کشور؛ ۲- حفظ و ارتقاء منابع حیاتی کشور؛ ۳- فقدان تهدیدات جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور اطلاق کرد (ابراهیمی، مجیدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تأکید بر این که هدف از تشکیل جمهوری اسلامی حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است. ایشان معتقدند ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی بوده و هویت یک ملت محسوب می‌شود (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۴/۲۰).

۴-۲- تهدید

در اصطلاح تهدید عملی است که در یک برهه زمانی با توسل به وسایل خاص، کیفیت زندگی دولت‌ها، شهرها و یا واحدهای خصوصی و غیر دولتی را به خطر انداخته و هدف از آن، از بین بردن یک سیستم یا حکومت مورد نظر می‌باشد. و یا به هرگونه نیت، قصد و اقدامی که ثبات و امنیت یک سازمان یا کشور را به خطر اندازد تهدید می‌گویند. (کامرانیان، ۱۳۸۷: ۵۰)

تهدید مفهومی انتزاعی است که در هم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. بحث امنیت و امنیت ملی همواره با موضوع تهدید گره خورده است؛ نمی‌توان از تهدید صحبت به میان آورد ولی امنیت ملی و تأثیر آن را نادیده گرفت. به دلیل انتزاعی بودن مفهوم تهدید، تعریف تصمیم‌گیرندگان و مردم هر کشور از امنیت ملی، تأثیر از درک آن‌ها از مفهوم تهدید می‌باشد. درک تهدید نیز به وسیله سازمان ادراکی، ادراک می‌شود و بدیهی است ادراک افراد از یک پدیده واحد متفاوت بوده و زمینه تفاوت و سوء برداشت را ایجاد می‌نماید. (حسن‌بیگی، ۱۳۸۶: ۱۴) تعریفی دقیقی از تهدید به دلیل چند وجهی بودن و ارتباطش با امنیت ملی، منافع ملی، اهداف و راهبرد، پیچیده و مشکل است؛ لذا صاحب نظران به تناسب نگرش به تهدید و ادراکشان از آن تعریفی ارائه نموده‌اند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۲).

۳- یافته‌های پژوهش

تدوین و استقرار اسناد بالادستی تلاش هدفمند برای دستیابی به پیامدها و تأثیرهای مورد انتظار در عرصه حاکمیت است که به منظور نیل به تغییرهای ناملموس، قابل مشاهده و برنامه‌ریزی شده صورت می‌پذیرد. آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) با بهره‌گیری از تمام توان و ظرفیت‌ها و هم‌سویی و هدفمندی هوشمندانه کلیه فعالیت‌ها و اقدام‌های بخش‌های مختلف در عرصه‌های گوناگونی اقتصاد، سیاسی، فرهنگی و... اسناد و نقشه‌های بالادستی را در سطح ملی طراحی و تدوین کرده است تا ضمن مشخص کردن حوزه عمل، جهت‌گیری همه دستگاه‌ها و سازمان‌های دخیل را باز تعریف کند. نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مردم‌سالاری دینی بنا نهاده شده و در آن هر تصمیمی با مشارکت مردم بوده و عقل جمعی شالوده تصمیم‌گیرها در این نظام است. از این جهت برای پیشبرد اهداف در هر حوزه‌ای که هدف آن سربلندی ملت ایران اسلامی است، نیاز به تهیه برنامه‌ای جامع و کامل است تا هر مسئولی با پذیرش مسئولیت و با استناد به این برنامه‌ها اهداف مورد نظر را پیش ببرد. بنابراین برای رسمیت بخشیدن به این برنامه‌ها و الزام اجرایی شدن آن‌ها توسط مسئولان این برنامه‌ها به قوانین لازم‌الاجرا تبدیل می‌شوند تا تخطی از اجرای آن تخلف به شمار رود. در حال حاضر در کشورمان اسناد بالادستی زیادی وجود دارد به طوری که در هر حوزه می‌توان به اسناد بالادستی آن حوزه استناد کرد اما برخی اسناد بالادستی مهمی وجود دارد که با همت مسئولان نظام تهیه شده و اجرای آن ضامن پیشرفت کشور خواهد بود چه بسا تاکنون این چنین بوده است. اصولاً توجه به این اسناد در تدوین برنامه‌ها، امری ضروری است و تمامی سازمان‌ها لازم است در راستای پیشبرد اسناد بالادستی مرتبط با خود گام بردارند.

اسناد بالادستی یکی از منابع اصلی تعیین چارچوب‌ها و سیاست‌های کلان نظام به شمار می‌رود که عموماً منشأ تنظیم مقررات عادی و تنظیم سیاست‌های جاری میان‌مدت و بلندمدت کشور قلمداد می‌شوند. این اسناد باید محور برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور به منظور تحقق اهداف توسعه همه‌جانبه قرار گیرد و این امر بیانگر خواسته‌ها، آرزوها و اهداف آن کشور از سوی حکومت است که در دوره زمانی معین و بر مبنای معین و مجموعه اقداماتی منظم و سلسله‌مراتبی برای رسیدن به اهدافی معین تدوین شده است. یا به عبارت دیگر اسنادی هستند که اسناد عادی بر اساس آن شکل می‌گیرند. در کنار اسناد بالادستی اسناد دیگری هم وجود دارد که به این اسناد، اسناد معین گفته می‌شود و این اسناد به این معنی هستند که زمینه تحقق اهداف اسناد فرادستی را تأمین

می‌کنند. این اسناد همسطح اسناد فرادستی نیستند ولی با آن اسناد همسو می‌باشند (بنافی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

در واقع اسناد بالادستی تعیین‌کننده خطوط اصلی و اتخاذ تصمیم‌هایی هستند که برای حفظ منافع عمومی، هماهنگی و انسجام هدف‌های جامعه اعمال می‌شوند. این سیاست‌ها پشتوانه اقدامات نظام سیاسی به شمار رفته و وسیله‌ای برای تعیین اولویت‌ها و اقدامات بوده و فعالیت جامعه را راهبری می‌کنند. (قادری حاجت، گل‌کرمی، ۱۳۹۹: ۶۸) جمهوری اسلامی ایران، به منظور ارتقای کشورداری و مدیریت سرزمینی و همچنین ارائه و ارتقای تصویر خود در سطح ملی و بین‌المللی، در سال‌های اخیر، اسناد و نقشه‌های بالادستی را طراحی و تدوین نموده است؛ تا ضمن مشخص کردن حوزه عمل، جهت‌گیری همه دستگاه‌ها و سازمان‌های دخیل را بازتعریف نماید. با شکل‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام که اعضای آن توسط مقام معظم رهبری انتخاب می‌شوند وظایفی بر عهده این نهاد قرار گرفت تا به عنوان حلقه تکمیلی در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و در شرایط مختلف ایفای نقش نماید. یکی از وظایف محوله توسط آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) به این مجمع تدوین اسناد بالادستی، نقشه‌های جامع و دیگر سیاست‌های کلان نظام است که در دستور کار این مجمع قرار می‌گیرد.

به طور کلی می‌توان گفت هر کشوری به منظور ارتقاء در تمام بخش‌های داخلی خود و برای پیشرفت و آبادانی، اسناد و نقشه‌های بالادستی متناسب با شرایط داخلی خود طراحی و تدوین نموده است. به طور مثال در جمهوری اسلامی ایران می‌توان به قانون اساسی که عالی‌ترین سند بالادستی است اشاره کرد و در رتبه بعدی سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و قوانین برنامه‌های توسعه و... اشاره کرد. داشتن اسناد بالادستی در هر کشوری، از این جهت که رفتار سازمان‌ها و نهادها را قابل پیش‌بینی می‌کند، به برنامه‌ریزان آمادگی فرصت برنامه‌ریزی بسیار دقیق‌تری در زمینه‌های مربوطه می‌دهد و کارآیی و بهبود برنامه‌ها را افزایش می‌دهد. در واقع، با داشتن اسناد بالا دستی و اجرای دقیق و درست آن‌ها، دیگر جامعه حکم‌کشتی سرگردان در دریای طوفان زده را نخواهد داشت و اجبار ندارد خسارت روزمرگی و سعی و خطای کارگزاران اجرایی را تحمل کند. همچنین اینگونه اسناد ابزار داوری بهتری به دست مدیران کلان جامعه، نظام قضایی و مردم می‌دهد تا با آن در مورد مدیران اجرایی قضاوت کنند.

سند چشم‌انداز کشورسندی است که برای اولین بار در تاریخ برنامه‌ریزی‌های کلان ایران پس از طی فرآیندی نسبتاً طولانی از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام با به کارگیری ده‌ها نفر از خبرگان و کارشناسان تهیه و پس از تصویب در سال ۱۳۸۴ توسط آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به دولت ابلاغ شد. این سند از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول شامل بیانیه‌ها می‌باشد که در این بخش تصویری از آینده ایران را نشان می‌دهد و بخش دوم شامل هشت بند اساسی می‌باشد که ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف به تصویر می‌کشد؛ که این ویژگی‌ها دارای هفتاد مشخصه می‌باشد که اگر در این میان تفسیری واحد میان دست‌اندرکاران وجود نداشته باشد در سند چشم‌انداز با مشکلات جدید رو به رو می‌شویم و پیش بردن آن مشکل می‌شود. این سند اولویت‌های آرمانی و افق‌های جامعه ایران را برای سال ۱۴۰۴ در تمام زمینه‌ها ترسیم می‌کند؛ که این آرمان‌ها در قالب چشم‌انداز مبتنی بر آینده‌نگری، واقع‌گرایی و جامع‌نگری است. این سند اهداف متعددی در تمام عرصه‌ها از جمله نظامی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... در نظر دارد که به بعضی به طور صریح و به بعضی دیگر به صورت آرمانی اشاره کرده است. در این میان دستیابی به اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز توسعه در ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... مستلزم به کارگیری تمام ظرفیت‌ها، منابع و استفاده بهینه و درست از سرمایه‌هاست؛ و هدف نهایی ترسیم شده در سند چشم‌انداز رسیدن به سطح مناسب و تعریف شده‌ای از پیشرفت و توسعه است. (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲)

تحلیل محتوای سند، اعم از بیانیه و ویژگی‌های چشم‌انداز و انطباق آن با مؤلفه‌های امنیت شاخص‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد که توجه به آن مفهوم و جایگاه امنیت را در این سند متجلی می‌سازد. با توجه به رویکرد سند چشم‌انداز می‌توان نوع نگاه به امنیت در این سند و به تبع آن، جایگاه امنیت در آن را مشخص کرد. بررسی مؤلفه‌های سند چشم‌انداز حاکی از توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر توسعه پایدار و جنبه ایجابی امنیت است. در رویکرد ایجابی تلاش می‌شود به امنیت به مثابه مفهومی مستقل نگریسته شود و تحولات نوین اجتماعی و شرایط ذهنی و عینی آن در تبیین امنیت مورد توجه قرار گیرد. در این نگرش، امنیت به فقدان تهدید محدود نشده است و علاوه بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ امنیت نیز مد نظر قرار گرفته است و از این رو امنیت از یک وضعیت به یک تولید اجتماعی تبدیل می‌شود. لذا فقدان تهدید زمانی معنادار می‌شود که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی

در جنگ و فراتر از این، از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد؛ به عبارتی دیگر در این رویکرد تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است؛ لذا کسب قدرت و توانایی در کانون تعریف این رویکرد از امنیت واقع شده و بر این اساس امنیت برای توسعه و رفاه جایگزین تعاریف دیگر می‌شود و گسترش امنیت به جای کسب و حفظ آن اهمیتی خاصی می‌یابد. بدین ترتیب، رهایی نسبی از تهدیدات عمدتاً نظامی بیرونی، که در تعریف فقدان تهدید مورد تأکید است به توانایی برای رویارویی با هرگونه تهدید بیرونی و آسیب‌پذیری درونی تحول می‌یابد و امنیت هم‌نشین با مفاهیمی چون توسعه، رفاه و مانند آن می‌شود که همگی ناظر بر قدرت و توانایی ملی از یکسو و اقتدار و توانمندی از سوی دیگر است (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۳۵).

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله برای سیاست‌گذاری امنیتی ابعادی در نظر گرفته شده است که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌نمایم:

۱-۳- کشوری امن

منظور از کشوری امن در سند چشم‌انداز یعنی ایران باید مستقل و مقتدر باشد. با توجه به اینکه این رویکرد سلبی می‌باشد و ابعاد سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرد، کشوری می‌تواند امن باشد که مردمش در امنیت و آسایش به زندگی پرداخته و نگران تهدیدات داخلی و خارجی نباشند و این رفع تهدید بستگی به مهارت دولت مردان در تعامل با جهان دارد.

۲-۳- جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت اجتماعی

در بند اول سند چشم‌انداز آمده است که ایران کشوری است که از امنیت اجتماعی و قضایی بهره‌مند است که این ویژگی دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی و رویکردی ایجابی است. امنیت اجتماعی بدین معنی است که مردم ایران در شیوه زندگی خود آزاد هستند و بدون نگرانی و ناامنی اجتماعی می‌توانند به زندگی بپردازند. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ سستی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و... مربوط است.

۳-۳- جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت قضایی

امنیت قضایی از مفاهیمی کلیدی است که در بند اول سند چشم‌انداز آمده است که بدین معنی می‌باشد تمام مردم در برابر و مواجهه با قانون یکسان هستند و کسی بر کسی برتری ندارد.

۴-۳- کشوری مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه

بر اساس بند سوم سند چشم‌انداز، ایران کشوی مستقل و مقتدر است که با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی و همبستگی مردم و حکومت اداره می‌شود.

۳-۵- کشوری تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای

بر اساس بند هفتم سند چشم‌انداز، ایران کشوری مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امامین انقلاب است. زمانی ایران می‌تواند چنین نقشی را در جهان اسلام ایفا کند که خود به کشوری امن و پیشرفته در تمام زمینه‌ها تبدیل شود تا ملت‌های اسلامی از آن الگو برداری نمایند و این عامل باعث تقویت سیاست‌گذاری امنیتی در منطقه می‌شود.

۳-۶- کشوری مبتنی بر اصول ثابت اخلاقی

در بند هفتم این سند آمده است که ایران باید به کشوری با جامعه اخلاقی، نواندیش و پویایی فکری و اجتماعی تبدیل شود. زیرا در جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم باشد امنیت در همه ابعاد به اوج خود می‌رسد و افراد در آن احساس برادری خواهند کرد.

۳-۷- کشوری دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

بر مبنای بند هشتم این سند، ایران در افق چشم‌انداز، کشوری دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت است. در چارچوب اقتصاد جهانی، بدون تعاملی سازنده با نظام جهانی نمی‌توان امنیت ملی و رشد درازمدت اقتصادی را تضمین کرد؛ به همین دلیل در این بند از سند آمده است که با جهان باید ارتباط داشت و در این ارتباط عزت، حکمت و مصلحت کشور پیش شرط اساسی می‌باشد.

۳-۸- جامعه‌ای به دور از فقر

ویژگی چهارم چشم‌انداز، ایران را به کشوری به دور از فقر توصیف می‌کند و معتقد است یکی از عناصر تهدیدکننده امنیت، فقر مردم است. فقر تهدیدی اساسی برای امنیت کشورهاست، زیرا موجب بروز خشونت و گسترش فاصله طبقاتی می‌شود و افراد فقیر را از حوزه سرمایه انسانی خارج و بعضی از آن‌ها را به عوامل ناامن‌ساز جامعه تبدیل می‌کند.

۳-۹- جامعه دور از فساد

یکی از اهداف مهم سند چشم انداز ایجاد ساختاری در نظام اداری کشور است که در آن فساد صورت نگیرد. زیرا در غیر این صورت فساد باعث ناکارآمد کردن نهادها اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... می شود که باعث می شود امنیت ملی و اجتماعی با چالش عمیقی مواجه شود.

۳-۱۰- جامعه‌ای به دور از تبعیض و مبتنی بر عدالت

در بند چهارم این سند یکی از ویژگی‌ها این است که ایران کشوری به دور از تبعیض توصیف شده است؛ و از آنجایی که تبعیض یکی از عوامل تولید کننده ناامنی در جامعه است پس برای نیل به امنیت پایدار نیازمند جامعه‌ای به دور از فقر و فساد و تبعیض می‌باشیم. پس راه و شیوه رسیدن به یک سیاست‌گذاری امنیتی بر اساس سند چشم‌انداز، قوی شدن جامعه ایران در حوزه‌های گوناگون از جمله سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و... است (علایی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۶).

۴- قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در سیاست‌گذاری امنیتی

افزایش توان دفاعی و بازدارندگی به طور سنتی اهدافی چون حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی را دنبال می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با موقعیت بالای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچریک از دیرباز در معرض تهدیدات گوناگون قرار داشته است. این تهدیدات با مراجع بیرونی و درونی علاوه بر هزینه‌های فراوان، مسیر توسعه را نیز در مقطعی با فراز و فرود مواجه ساخته است. این عامل باعث شده تا در قالب مدیریت یکپارچه فرآیند توسعه، برنامه‌ها و اسنادی تنظیم و تدوین شود که سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کشور را در یک مجموعه کلی منسجم کند و هدف اصلی آن حفظ پیوستگی و مدیریت خطوط کلی توسعه و ارائه نگرشی جامع و مدون به آن است. در همین راستا، همانند سایر کشورها، مراجع ذی‌ربط به تدوین اسنادی همچون سند چشم‌انداز بیست ساله و مجموعه برنامه‌های پنج ساله توسعه مبادرت کرده‌اند تا ضمن مشخص کردن خطوط کلی، اولویت‌ها مدنظر قرار گیرد (ارغوانی پیر سلامی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۹).

در راستای اجرایی سازی اهداف سند چشم‌انداز توسعه کشور و به کارگیری سیاست‌های کلی برنامه پنجم، قانون برنامه پنجم توسعه با طول زمانی پنج ساله (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بعد از تهیه و تدوین توسط قوه مجریه در تاریخ پانزدهم دی ماه سال ۱۳۸۹ در قالب ۹ فصل و ۲۳۴ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این برنامه سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قالب

فصل هفتم و مواد ۱۹۵ تا ۲۰۹ گنجانده شده است و با توجه به اینکه بحث ما فقط سیاست‌گذاری امنیتی است خطوط و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی بیان می‌شود، که به قرار ذیل می‌باشد:

۱-۴- سیاست‌گذاری امنیتی

فرآیند جهانی شدن و به تبع آن کم رنگ شدن مرزها و افزایش فرآیند ارتباطات جهانی افزون بر پیامدها و شاخص‌های مثبت و سودمند برای بشر، مهم‌ترین آثار خود را بر حوزه‌های دفاعی و امنیتی جوامع نهاده است. با وجود این فرآیند رو به توسعه برای کشورها، که در این زمینه واجد مزایا نیز بوده و باعث افزایش مبادلات و ارتباطات آن‌ها در حوزه‌های گوناگون شده، با این حال تأکید دولت‌ها بر حاکمیت و شاخص‌های بومی باعث شده تا حفظ امنیت و دفع تهدید همچنان از نظر اولویت بندی در صدر برنامه‌ها قرارگیرد. از طرف دیگر با تداوم این روند تفاوت‌ها و تمایزهای جدی میان مراجع تهدید، در داخل و خارج از جوامع از بین رفته است. با در نظر گرفتن این محورها و نیز ضرورت درک و انطباق پذیری با الزامات دفاعی و امنیتی در عصر جدید و پاسخ‌گویی به منویات آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) اسنادی همچون سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان برنامه پنجم، قانون پنجم توسعه در مقیاسی پیشرفته‌تر مباحث امنیتی، تهدیدها و شیوه و ابزارهای مقابله با آن را مورد توجه قرار داده است. با مطالعه بخش امنیتی این برنامه می‌توان به این امر مهم پی برد که سیاست‌های امنیتی با مراجع درونی، ثبات لازم و توسعه پایدار را بدست می‌آورد و از طرف دیگر مسائل امنیتی و دفاعی جزء جدایی‌ناپذیر از همدیگر هستند تا حدی که موفقیت در زمینه سیاست‌گذاری امنیتی می‌تواند زمینه‌های یک دیپلماسی دفاعی موفق را فراهم کند. مهم‌ترین شاخص‌های سیاست‌گذاری امنیتی مطرح شده در قانون پنجم توسعه به شرح ذیل می‌باشد:

۲-۴- امنیت پایدار در مناطق مرزی

جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران از دیر باز به صورت یک شمشیر دو لبه برای نظام سیاسی حاکم بوده است و در صورت استفاده صحیح و بهره‌برداری مناسب می‌تواند به یک فرصت فوق‌العاده تبدیل شود و از سوی دیگر اگر از این موقعیت حساس استفاده صحیح و مناسب نشود می‌تواند به یک تهدید جدی تبدیل شود. این موقعیت‌های استراتژیک باعث شده که کشورمان توسط کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای مرکزی و اورآسیا، خاورمیانه عربی و ترکیه همواره مورد تهدید قرار گیرد.

قانون پنجم توسعه با اذعان به اهمیت مناطق مرزی و ثبات آن‌ها در فرآیند توسعه کشور در راستای تأمین امنیت پایدار و کنترل مؤثر مرزها، در اقدامی مبتکرانه خواستار تهیه طرح جامع امنیت پایدار مناطق مرزی از طریق تشریح مساعی نهادهای ذی‌ربط شده است. از دید قانون پنجم توسعه، این طرح جامع بایستی شامل کنترل، مدیریت، حریم امنیتی، اقدامات عمرانی، انسدادی، اطلاعاتی، علمی، تجهیزاتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، تقویت مرزبانی، بکارگیری بسیج و نیروی مردمی باشد. با توجه به این قانون می‌توان در بحث امنیت به دو ویژگی مهم دست یافت که به شرح ذیل می‌باشد: ویژگی اول اینکه در زمان بروز بحران باید به دنبال علل ناامنی باشیم. تهدید در مرزها مرجع خارجی دارد اما نابسامانی‌های داخلی در مرزها هم می‌تواند عامل اصلی تهدیدات در مرزها باشد. ویژگی دوم این طرح افزایش توجه به کشورهای همسایه است. از آنجایی که ماده ۲۰۳ و ۲۰۴ این برنامه بر این اساس است که کنترل مرزها، توسط بومی‌های آنجا تقویت شود. در ماده ۲۰۴ این را بیان می‌کند که همسایگان شرقی و تا حدی عراق باعث ناامنی و تهدیدات از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر و تروریسم بوده‌اند که می‌توان با مراودات اقتصادی و اجتماعی این تهدیدات را به فرصت تبدیل کرد.

۳-۴- مقابله با تهدیدات اطلاعاتی

با گسترش خطوط انتقال اطلاعات، کارکردهای نهادهای رسمی و حفظ امنیت این خطوط کار بسیار مهمی تلقی می‌شود؛ زیرا هرگونه تهدید در این زمینه می‌تواند امنیت کشور را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در معرض تهدید قرار دهد. به همین دلیل بر اساس مواد ۲۰۵ و ۲۰۶ قانون برنامه پنجم توسعه تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم امنیتی و اطلاعاتی مرتبط با دفاع از حاکمیت و منافع ملی دانسته شده و توجه به این امر، بسیار مهم و حساس تلقی می‌شود.

۴-۴- امنیت در فضای سایبری

تأمین امنیت در حوزه‌های عمومی جهانی پیوند تنگاتنگی با تهدیدات اطلاعاتی دارد و به طور کلی فضای سایبر از دو جهت با فرآیند امنیتی مرتبط است. الف) تبدیل شدن به مخازن و مراجع اطلاعاتی کشور ب) افزایش ارتباط مراجع تهدید بیرونی با مراجع درونی و در نتیجه عملکرد به مثابه ابزار تهدید با جنگ نرم.

با این حال در چند سال گذشته و هم زمان با تقویت جایگاه دولت الکترونیک در جمهوری اسلامی ایران ضرورت اتخاذ تدابیر علمی و مداوم و نه قطعی ایجاد کرده تا علاوه بر قانون مدنظر دستگاه‌های قضایی، برنامه جامع و کلانی برای مدیریت این حوزه در سطح دفاعی و امنیتی در نظر گرفته شود. به همین منظور قانون پنجم توسعه علاوه بر بخش اطلاعاتی در ذیل ماده ۱۹۶ (بند ه) پشتیبانی و کمک به مقابله با جنگ نرم را در حوزه‌های مختلف با اولویت حضور فزاینده در فضای مجازی و سایبری مد نظر قرار داده و با افزودن تقویت رویکرد بومی در این زمینه به دنبال بهره‌گیری از آن در راستای منافع ملی کشور بوده است. (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۵)

نتیجه‌گیری

آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تلاش می‌کنند در بحث امنیت بنا به درک خود از تهدیدها در تمام زمینه‌ها با پیش‌بینی اسناد و قوانین جدید فراتر از قانون اساسی مانند اسناد بالادستی دیگر، قوانین و دستورالعمل‌هایی را تهیه کنند تا امورات کشور و روند توسعه‌ای آن در مدار برنامه‌ریزی و آینده‌نگری حرکت کند. در اسناد بالادستی از جنبه‌ها و ابعاد مختلفی بحث سیاست‌گذاری امنیتی توجه و مورد بررسی قرار گرفته و بر همین اساس در ده‌ها بند و ماده قانونی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به سیاست‌گذاری امنیتی پرداخته شده که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

هدف اصلی از سیاست‌گذاری امنیتی با توجه به اسناد بالادستی، یعنی اینکه به قدرت اصلی در منطقه تبدیل شویم تا بتوانیم در برابر تهدیدات اقدامات مؤثری را نشان دهیم و آن تهدیدات را به فرصت‌هایی مفید تبدیل کنیم. در زمینه سیاست‌گذاری امنیتی و اهمیت این مورد مهم هم باید به این امر اشاره کرد که با توجه به موقعیت حساس ایران در منطقه و محیط متحول امنیتی خاورمیانه، ایران باید در زمینه سیاست‌گذاری چنان سنجیده عمل کند تا بتواند در این منطقه ناآرام به عنوان یک بازیگر مهم در کنار قدرت‌های بزرگ ایفای نقش کند و برای این ایفای نقش نیازمند یک سیاست‌گذاری امنیتی سنجیده است و این امر هم با توجه به اسنادی اصیل که در کشور وجود دارد میسر می‌شود؛ اسنادی که برگرفته از توامندی‌های داخلی و مطابق با فرمایشات آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است. از طرفی سیاست‌گذاری امنیتی پیش شرط دیگر پیشرفت‌ها در کشور محسوب شده و از طرف دیگر با سیاست‌گذاری امنیتی سنجیده، می‌توان به جایگاه اول منطقه رسید. باتوجه به مطالبی که در متن

این کار پژوهشی بیان شده در اسناد بالادستی سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران عمدتاً متکی بر توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی ایران طراحی شده است و متناسب با شرایط داخلی می‌باشد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسناد متنوعی در خصوص مقوله سیاست‌گذاری امنیتی اعم از قوانین خاص مربوط به نیروهای مسلح تا قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی ابلاغی و سیاست‌ها و قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه در مقولات و موضوعات سیاست‌گذاری امنیتی وجود دارد. جایگاه هر سند در سلسله مراتب اسناد بالادستی بیانگر موقعیت سیاست‌ها از سطح کلان تا سطح اجرایی آن‌هاست.

با مطالبی که در متن مقاله بیان شده است می‌توان به این نتیجه رسید که یک سیاست‌گذاری پایدار امنیتی در گرو مسائل ذیل می‌باشد:

- ۱- توجه به تهدیدات روز
 - ۲- تصویب قوانین کارآمد در قالب طرح‌ها و لوایح توسط مجلس شورای اسلامی و یا نهادهای مربوطه دیگر.
 - ۳- ارتباط بیشتر مراکز تحقیقاتی دفاعی - امنیتی با دانشگاه‌ها و بهره‌گیری از ایده‌های نو و خلاقانه افراد متخصص و صاحب نظر.
 - ۴- فرهنگ‌سازی توجه به مقوله امنیت ملی و لزوم همراهی با مجموعه نظام در راستای تامین بهینه امنیت در تفکر عموم جامعه.
- پیشنهادات:
- پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های مشابه دیگر در خصوص سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد تا بتوان در تصمیم‌گیری‌ها با توجه به اسناد متنوعی که در خصوص مقوله سیاست‌گذاری امنیتی اعم از قوانین خاص مربوط به نیروهای مسلح تا قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی ابلاغی و سیاست‌ها و قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه در مقولات و موضوعات سیاست‌گذاری امنیتی وجود دارد نتایج بهتری را در راستای افزایش اقتدار در جهت منافع و قدرت ملی بتوان گرفت

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهروز و مجیدی‌نژاد، سیدعلی (۱۳۹۵). تبیین تهدیدات امنیتی توافق نامه مشارکت استراتژیک آمریکا - افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳(۴۵)، ۱۶۹-۱۸۸.
- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز (۱۳۹۱). سیاست دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه، سیاست دفاعی، ۲۰(۷۸)، ۱۰۵-۱۳۷.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و اهداف سند چشم انداز توسعه ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، ارائه شده در همایش ملی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: انتشارات بنیاد حقوق میزان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳). تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۸)، ۸۳-۹۹.
- افشون، مهرداد؛ عبدی، علی (۱۳۹۴). تهدیدات امنیتی (نیمه سخت) فراروی استان خوزستان، پژوهش‌های سیاسی، ۵(۱۳)، ۱۱۵-۱۴۹.
- امینی، محمدتقی؛ محمودی میمند، محمد؛ پرهیزگار، محمدمهدی و مشایخ، محمدرضا (۱۳۹۱). طراحی الگوی جامع سیاست‌گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مدیریت فردا، ۱۱(۳۱)، ۱-۱۰.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۸). دانشنامه علوم سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- بختیاری، حسین و صالح‌نیا، علی (۱۳۹۷). اولویت بندی تهدیدات امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP). مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۲۵۵-۲۷۷.
- بخشی، عبدالله (۱۳۹۱). امنیت در کتاب و سنت. تهران: انتشارات اطلاعات و امنیت.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸). بررسی امنیت از تئوری تا عمل، تهران: نشر میزان.
- بنافی، سعود؛ نوروزی، محمد (۱۳۹۲). تحلیل آسیب شنا سانه از ترجمان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های عملیاتی: ملاحظات سیاسی، برنامه ریزی و بودجه، ۱۸(۴)، ۱۶۱-۱۹۵.
- بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با کارگزاران حج ۲۰ تیرماه ۱۳۹۷.
- بیانات آیت الله خامنه ای در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین ۹ مهرماه ۱۳۹۰.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی: رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- جلیلی، امید (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری: مفاهیم، الگوها و فرایندها، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۲(۴)، ۱۱۴-۱۰۶.
- حداد، وادی؛ دم سکی، تری (۱۳۸۸). فرآیند برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش (یک چارچوب کاربردی)، مترجمان: غلامرضا گرانی نژاد و رخساره کاظم، تهران: انتشارات مدرسه.
- حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۶). رویکرد مقابله با تهدید نرم علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، نگرش راهبردی، ۸(۸۸)، ۲۸-۹.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- رئیس‌ی، محمد؛ پیشگاه هادیان، حمید؛ ایزدی، جهان‌بخش؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی بحران‌های اجتماعی و الزامات سیاست‌گذاری امنیتی در پیشگیری از آن، امنیت ملی، ۹(۳۲)، ۱۱۷-۱۳۰.
- سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ۱۳۸۲.
- شریعتمدار جزائری، نورالدین (۱۳۷۹). امنیت در فقه سیاسی شیعه، علوم سیاسی، ۹(۳۴)، ۳۱-۵.
- صالح‌نژاد، حسن (۱۳۹۴). مروری بر سیاست‌گذاری عمومی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶). تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش). تهران: ابرا معاصر تهران.
- علائی، حسین (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، ۴(۱۵)، ۱۱۹-۱۴۷.
- قادری حاجت، م‌صطفی؛ گل‌کریمی، عابد (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل نگرش ژئوپلیتیکی اسناد بالادستی آمایش سرزمین ایران. ژئوپلیتیک، ۱۶(۲)، ۷۸-۵۸.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: انتشارات مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی.
- قیصری، نورالله؛ خضری، احسان (۱۳۹۵). سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۷)، ۷۴-۵۷.
- کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷). جنگ نرم: بررسی توطئه شیاطین علیه امت اسلامی، قم: انتشارات نور قرآن و اهل بیت (ع).

گروه مطالعات امنیت (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی. ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرادیان، محسن (۱۳۸۵). ابعاد و مظاهر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش شهید سپهبد صیاد شیرازی. معین، محمد (۱۳۵۳). فرهنگ لغات معین، تهران: انتشارات امیر کبیر.

ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۵). مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت.

وحید، مجید (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.

Puppis, M. (2010), *Media Governance: A New Concept for the Analysis of Media Policy and Regulation*. *Communication, Culture & Critique*, 3: 134-149.

Walt, S. M. (1994). *Alliance Formation and the Balance of World Power*. *International Security*, 9(4), 3-43.